شیر عروسکی

اگر هیدینک داشتیم

مهدی رستم‌پور: این که هیدینک با تیم کدام کشور مقابل ژاپن بایستد مهم نیست. ژاپن حریف هیدینک نمی‌شود، زیرا اسم هیدینک بزرگ‌تر از تمامیت فوتبال ژاپن است. عموگاس- دو هفته قبل از جام جهانی- نگفته بود که غمگینم! او به هر کشوری که برود دستیاران بومی را از جمع نخبگان فوتبال‌شان برمی‌گزیند. اگر بین بازیکنانش اختلاف نظر پیش بیاید که کاملاً هم طبیعی است، پنج روزه حلش می‌کند و نمی‌گذارد پنج سال کش بیاید. او ۱۵ دقیقه بین دو نیمه را سرمایه مربی می‌داند و اغلب، نتایج تیم‌های او در نیمه دوم بهتر از چهل و پنج دقیقه اول بوده‌اند.

سامورایی بدون شمشیر

در این چهار سال با تمام تیم‌های جهان بازی کردند. در جام کنفدراسیون‌ها به زمین رفتند. مهمان بازی‌های پان آمریکن شدند. مثل ریگ خرج کردند و برای بهتر معرفی شدن فوتبال‌شان، انیمیشن‌های فوتبال اغراق‌آمیز به تمام دنیا صادر کردند. آرتور آنتونیو زیکو با اتکا به همین دستمایه‌های جانبی، ژاپن را فینالیست می‌دانست. اما تیمش سه گل در پنج دقیقه خورد. ته قضیه یک چیزی هست که باید باشد و نمی‌شود به دستش آورد. همان بن‌مایه فوتبالی که نداشتن‌اش، گل قلابی ژاپن را فطیر کرد.

SMS

کاربران شبکه تلفن‌های همراه در مرزبندی‌شان، حساب سرمربی با کاپیتان و دروازه‌بان را از بقیه جدا کرده‌اند. مکزیک که گذشت اما غرض اگر غلبه بر پرتغال باشد، حتی مهم‌تر از آن سه نفر، در ابتدا شوق جام جهانی را باید در سیمای ستاره وسط زمین ببینیم که ندیدیم.

همسر دانا

پس از سال‌ها مشاوره با حسین فرکی ضرری نداشت شب بازی دو دقیقه هم به حرف زنش گوش کند. وسنا ایوانکوویچ که در جایگاه ویژه نشسته بود، اواسط بازی بادبزدن کاغذی‌اش را پاره کرد و از همراهانش پرسید: پس این برانکو چرا شماره ۱۰ را تعویض نمی‌کند؟ سرمربی همیشه تمام منتقدین دایی را دشمنان سوگندخورده تیم ملی معرفی کرده بود!

ژان پیر مفقود

بزرگانی که هرگز در جام‌های جهانی بازی نکرده‌اند کدامند؟ این موضوع، ستون ثابت ویژه‌نامه‌های فراوانی است که چهارسال یک‌بار در ایران منتشر می‌شود. چهره‌هایی مانند رایان گیگز، اریک کانتونا، یان راش، ژرژ وه‌آ و... اما اغلب این ویژه‌نامه‌ها نام ژان‌پیر پاپین را هم در این فهرست گنجانده‌اند. گویا نام آن مهاجم جوانی که جام جهانی ۱۹۸۶ دروازه کانادا را باز کرد فرزاد آهک‌پور بوده! سرچشمه این اشتباه، ویژه‌نامه مجله(...) در جام جهانی ۱۹۹۸ و پس از آن هم رونویسی‌های مکرر در مکرر سایر نشریات است که گزینه اشتباه را، یکی پس از دیگری از روی دست همدیگر تقلب کرده‌اند.

اعاده حیثیت جاسوس

زلاتکو تیروسویچ جاسوس برانکو در مکزیک را دیروز در این ستون رنجاندیم و نوشتیم که گیج بوده و احتمالاً به‌جای مکزیک، تیم ملی ترینیداد و توباگو را زیرنظر گرفته. اما هیچ‌کس انتظار نداشت که تیروسویچ پس از پایان بازی همانند برق از جا بجهد و تمام بد و بیراه‌های عالم را نثار دوست دیرینه‌اش بکند. بخش‌هایی از اظهارات قابل توجه زلاتکو را بخوانید: هی برانکو، تو یک تکه یخ هستی. دیگر نمی‌خواهم ببینمت. رابطه ما از این لحظه برای همیشه قطع می‌شود. همین امروز اردو را ترک می‌کنم. فکر نمی‌کردم اینقدر ترسو باشی. من آدم کمی نیستم و به‌زودی سرمربی اشتوتگارت خواهم شد. اما تو برو و فکری به حال خودت بکن!

اشتباه فردی

آهان، چون گل حریف روی «اشتباه فردی» بازیکنان خودی به ثمر رسیده پس ملالی نیست. اگر «اشتباه جمعی» بود که باید سرمان را می‌کوبیدیم به درودیوار! چه فردی چه جمعی، اشتباه به نام تیم ثبت می‌شود و ناکامی تیم هم به نام سرمربی. نوع تاکتیک و روند بازی است که فرد یا جمع را وادار به اشتباه می‌کند. ترس و استرس تحمیل شده توسط سرمربی به بازیکنان است که میانگین خطاهای فردی و جمعی را افزایش می‌دهد.

نیمکت

مبارز

او نمونه کاملی از یک سرمربی مغموم در دور اول بازی‌های جام جهانی است. برای تیمی که قرار بود یقه آلمان را در راه یک صعود سهل‌الوصول بگیرد و خاطره لهستان دهه ۷۰ را زنده کند، شکست دو گله مقابل اکوادور چیزی به مثابه یک فاجعه بود. پاول یاناش امشب برای دفاع از حیثیت تاریخ تقریباً پرافتخار فوتبال لهستان برای بازگشت به جام برای کاستن از فشار بی‌سابقه انتقادات مردم و مطبوعات لهستانی و برای توقف میزبان پرمدعای جام جهانی یازده مرد تنومندش را روانه زمین خواهد کرد. یاناش که تیمش را در جدالی تماشایی با انگلستان مقتدرانه به جام جهانی آورده، در مبارزه ید طولایی دارد. او سال‌ها است که با سرطان مبارزه می‌کند و مقابله با فوتبال آلمان سخت‌تر از جدال با مرگ نیست. یاناش ۵۳ساله بازی ملی در کارنامه دارد. او در تیم اوسر هم بازی کرده و عنوان برترین بازیکن خارجی لیگ فرانسه را تصاحب کرده. قدرت بدنی لهستانی‌ها بسیار بالا است، فیزیک بدنی‌شان وزنه‌بردارها را تداعی می‌کند اما در بازی نخست بسیار کند و سنگین بودند. امشب چطور؟ سوابق پرتنش تاریخی بین دو ملت تا چه اندازه در برانگیختن لهستانی‌های مغموم از موثر خواهد افتاد؟ این آخرین فرصت برای ورود یاناش به تالار افتخارات فوتبال لهستان است. جایی که بونیک، لاتو، ژارماخ، کازیمیرز دینا و... حضور دارند. هر چند خودش مدافع برجسته تیمی بود که سال ۱۹۸۲ به عنوان سوم جهان دست یافت. لهستان اگر امروز از آلمان امتیاز بگیرد، غلبه بر کاستاریکا و کسب سه امتیاز آن مسابقه نیز دور از دسترس نخواهد بود. پاول یاناش از سال ۲۰۰۲ سرمربی لهستان است و قبل از آن نیز هدایت تیم‌های زیر ۲۱ سال و البته تیم پرطرفدار لژیاورشو را عهده‌دار بوده.

ستارگان ایران

آندو، ستاره ارمنی

آرمن گالوسیان: یکی از برجسته‌ترین ستارگان حال حاضر فوتبال ایران که چهره انگشت‌نمای دیدار با مکزیک بود. کسی که در میانه میدان تقریباً تمامی جنگ‌های تن به تن را برنده بود. آندرانیک تیموریان ۲۳ ساله که از ابومسلم به تیم ملی رسیده و سابقه بازی در تیم‌های آرارات اصفهان، کشاورز، امید، استقلال تهران و عقاب را نیز دارد. این هافبک خوش‌تکنیک و متعصب اولین گل ملی‌اش را فوریه ۲۰۰۶ به تور تایوان دوخت. قرار گرفتن در کنار جواد نکونام به عنوان هافبک دفاعی سمت راست، آزمایش موفقی بود که «آندو» پس داد. دیدارهای تدارکاتی مقابل کرواسی و بوسنی و هرزگوین نیز تاییدیه‌ای بود بر توانایی‌های بالقوه این استعداد ناب ایرانی. در بازی با مکزیک هیچ نشانه‌ای از هیجان کاذب و استرس در چهره او دیده نمی‌شد. با صلابت در میانه میدان می‌دوید و می‌جنگید. حضور آندرانیک تیموریان در ترکیب تیم ملی فوتبال ایران، نشانه‌ای پررنگ و گویا از همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام مختلف ایرانی است که در کنار یکدیگر به اعتلای نام کشور عزیزمان می‌اندیشند. اگر درخشش آندرانیک مقابل پرتغال هم تداوم داشته باشد، بدون شک به زودی او را در یکی از باشگاه‌های معتبر جهان خواهیم دید. آندرانیک اسکندریان همراه با پله و بکن باوئر در کاسموس نیویورک بازی می‌کرد. سرژیک تیموریان در دسته دوم آلمان برای ماینتس به زمین رفت و حالا دنیای فوتبال و هواداران بی‌شمار این ورزش در ایران بی‌صبرانه در انتظار بروز جلوه‌های تازه‌ای از خلاقیت آندرانیک تیموریان و سایر همبازیان او در دو دیدار باقی مانده از مرحله مقدماتی جام جهانی هستند. نکته جالب اینکه او تنها بازیکن ارمنی حاضر در جام جهانی ۲۰۰۶ هم هست. آندو سمبل فوتبال ارامنه جهان هم هست. در حالی که تنیسورهای برجسته ارمنی مثل دیوید نعلبندیان (آرژانتین) در جهان می‌درخشند و ادامه منطقی بزرگانی مانند آندره آغاسی هستند، آندرانیک تیموریان هم می‌تواند با ادامه پیشرفت برق‌آسایش جایگاه ارزنده‌ای را در فوتبال جهان تصاحب کند.

عکس روز

توتی ۲۰۰۶

ایتالیای جذاب در هانوفر کاملاً هوادارانش را راضی کرد.
توتی نیز نشان داد که به دوران آمادگی رسیده، البته آنچه بیش از عملکرد شماره ده به چشم می‌آمد ظاهر جدیدش بود.

طرح روز

دن پدرو ماری اورلاندو...

طرح: بوری کرز بوکین

آس

مرد سال مشکوک

مهدی زعیم‌زاده: امروز علاقه‌مندان به فوتبال جهان این فرصت را پیدا می‌کنند تا متوجه شوند مرد سال آسیا چگونه بازیکنی است و کیفیت او در چه حدی است که AFC او را به پارک جی‌سونگ، لی یونگ‌پیو، شونسوکه ناکامورا و علی کریمی ستارگان فوتبال آسیا در اروپا ترجیح داد و به‌عنوان بهترین بازیکن سال ۲۰۰۵ معرفی کرد. صحبت از حمد المنتشری است مرد سال آسیا در سالی که گذشت. مدافع ۲۴ساله عربستان امروز اولین بازی خود در جام جهانی را انجام می‌دهد. به هر حال یدک کشیدن عنوان مرد سال قاره باعث می‌شود عملکرد منتشری بیشتر مورد توجه قرار بگیرد و او وظیفه سنگینی برعهده دارد به‌ویژه اینکه او شاه مهره خط دفاعی تیمی است که در جام جهانی گذشته دست به یک شاهکار زده و در بازی اول خود هشت گل دریافت کرد. وظیفه اول منتشری این است که از تکرار چنین فاجعه‌ای جلوگیری کند. البته نتایج مایوس‌کننده عربستان در ۲۰۰۲ در نهایت به سود منتشری تمام شد. پس از آن بازی‌ها مدافعان قدیمی عربستان کنار رفتند و حمد المنتشری ۲۰ ساله وارد تیم ملی شد و در این چند ساله عملکرد مطلوبی در تیم ملی و باشگاهش الاتحاد به‌جا گذاشته است. او با الاتحاد قهرمان آسیا شد و در واقع دلیل اصلی انتخابش به‌عنوان مرد سال آسیا همین بوده. البته در این مورد حرف و حدیث‌هایی به‌وجود آمد. از آنجا که لژیونرهای آسیا نمی‌توانستند به مالزی بروند و در مراسم شرکت کنند نام آنها از فهرست نامزدان حذف شد و در ادامه سرماخوردگی سامی جابر موجب شد که جابر هم به کوالالامپور نرسد و در نهایت در میان تعجب همگان حمد منتشری کم نام و نشان مرد سال آسیا شد. معمولاً ملی‌پوشان عربستان به کمتر از ۱۰ سال بازی در تیم ملی رضایت نمی‌دهند و حمد را حالا حالاها در تیم عربستان خواهیم دید. هر چند که بعید است او باز هم به‌عنوان بهترین بازیکن قاره برسد، مگر اینکه مثل سال گذشته تمامی ستاره‌های قاره مریض شوند یا حال و حوصله رفتن به مالزی را نداشته باشند.

گزارشگر

گزارشگر مصدوم

مجید توکلی- یک: حتی اگر بپذیریم که در روزهای برگزاری جام جهانی مزدک میرزایی، پیمان یوسفی و علیرضا علیفر می‌توانند بازی‌ها را به خوبی گزارش کنند، باز هم جای یک نفر در این میان خالی است. بعید می‌دانم عشق فوتبالی‌ها یا حتی شخصی باشد که گزارش بازی به یادماندنی‌اش مقابل استرالیا را از یاد برده باشد. بعید است کسی گزارش خوب او را در بازی ایران- آمریکا از یاد برده باشد. جواد خیابانی که سال‌های سال در سمت گزارشگر و مجری برنامه‌های ورزشی فعالیت داشته، این روزها جایش خالی است و به جای اینکه بازی را گزارش کند با دردکمر، نخاع و سیاتیک دست و پنجه نرم می‌کند. این روزها که در هر روز، ۳ بازی مهم از مهمترین رویداد ورزشی جهان برگزار می‌شود، جای جواد خیابانی خالی است تا حداقل اگر مسابقه‌ای مثل انگلستان- پاراگوئه یا پرتغال- آنگولا فاقد جذابیت باشد با گزارش‌اش فضا را گرم کند. «من هم مثل مجتبی جباری و ستار زارع، در روزهای پایانی مصدوم شدم و نرسیدم.» این را وقتی می‌گوید که در تخت بیمارستان خوابیده و از تلویزیون اتاقش بازی‌ها را تماشا می‌کند. خیابانی اوایل هفته آینده مرخص می‌شود. «اگر مرخص شوم، نمی‌توانم ادامه بازی‌ها را گزارش کنم چون آمادگی روحی، جسمی و به‌خصوص اطلاعاتی در مورد بازیکنان و مربیان ندارم و آن وقت شرمنده مردم، سازمان و شما می‌شوم.» به هر حال این روزها جای او بسیار خالی است، هر چند که او هم مثل تمام گزارشگران مخالف‌هایی دارد ولی فکر می‌کنم در این میان، مخالف‌های او هم جای خالی‌اش را احساس می‌کنند.

دو: اما در حالی که جواد خیابانی مصدوم است و نمی‌تواند بازی‌ها را گزارش کند، پیمان یوسفی، مزدک میرزایی و علیرضا علیفر کارشان حسابی سخت شده. مزدک و پیمان هر روز باید یک بازی را گزارش کنند، گاهی اوقات هم دو بازی. این موضوع نه تنها به نحوه گزارش آنها لطمه می‌زند بلکه باعث می‌شود تا کمتر فرصت استراحت و جذب اطلاعات کافی درباره مسابقات را داشته باشند. ما گزارشگر خوب کم داریم و این تنها در این روزها است که ما را به فکر وامی‌دارد.

سه: بازی‌های پریروز آن‌قدر خوب و جذاب بودند که باعث شد تا یک روز خوب برای گزارشگران قلمداد شود؛ بازی‌های پرگل و تماشایی «ژاپن- استرالیا» و به خصوص «چک- آمریکا». پریروز همه‌چیز در رسانه ملی خوب بود.

متن حاشیه

خبرگزاری جمهوری اسلامی دیروز صبح خبری را روی خروجی خود فرستاد که با توجه به سبک کاری ایرنا، به هر حال عجیب و از جهاتی استثنایی بود. خبری با یک منبع مجهول که به نوشته ایرنا نزدیک به تیم ملی است و ضمن انتقاد صریح از علی دایی، ابراهیم میرزاپور و البته برانکو، قول دو سه تغییر جدی در روز بازی با پرتغال را داده. گزارش کامل ایرنا خواندنی است:

«یک منبع نزدیک به تیم ملی فوتبال ایران تاکید کرد که در روز بازی با پرتغال به‌طور حتم تغییراتی در تیم ملی کشورمان ایجاد خواهد شد. وی که خواست نامش عنوان نشود، دوشنبه شب به خبرنگاران اعزامی ایرنا گفت: تغییر در خط حمله تیم حتمی است و احتمال یکی- دو تغییر در خطوط دیگر نیز وجود دارد. این منبع از بازیکن خاصی نام نبرد اما در پاسخ به این پرسش که آیا طرح کمردرد علی دایی زمینه‌چینی برای جایگزین کردن بازیکن دیگری به‌جای وی نیست، سکوت کرد. وی در مورد اینکه اگر تغییر مورد نظر علی دایی باشد، آیا به‌خاطر تغییر تاکتیک است و یا فشار افکار عمومی داخل کشور و اعتراض شب گذشته ایرانی‌ها در مقابل هتل محل استقرار تیم ملی علت اتخاذ این تصمیم خواهد بود، پاسخ داد: به‌طور حتم نمی‌توان نسبت به افکار عمومی بی‌اعتنا بود. تعداد زیادی از ایرانیانی که برای تماشای مسابقات تیم ملی فوتبال ایران از کشورهای مختلف به آلمان آمده‌اند، یکشنبه شب در مقابل هتل محل استقرار تیم در نورنبرگ تجمع و نسبت به کسب نتیجه ضعیف تیم ملی ایران در مسابقه با تیم ملی مکزیک اعتراض کرده و خواستار پاسخگویی سرمربی و مسئولان تیم ملی شدند. هیچ‌یک از مسئولان تیم ملی حاضر به حضور در جمع معترضان نشدند و در نهایت «رضا چلنگر» به میان معترضان آمد و توضیحاتی ارائه کرد. عمده پرسش معترضان این بود که چرا علی دایی باید در هر شرایطی به‌طور ثابت بازی کند؟ چرا برای اشتباهات مکرر ابراهیم میرزاپور و خط دفاعی تیم هیچ فکری نشده است؟ چرا تعویض‌ها جواب نداد؟ و چرا تیم از نظر قدرت بدنی اینقدر در نیمه دوم کم‌آورد؟ کارشناسان آلمانی فوتبال نیز که بعد از هر بازی، مسابقه را تجزیه و تحلیل می‌کنند، در نشستی که بعد از مسابقه ایران و مکزیک برگزار و از تلویزیون این کشور پخش شد، اظهارنظر کردند که سن علی دایی برای مسابقات سنگینی مانند جام جهانی زیاد است و بازیکنان دیگر تلاش می‌کردند خلاء وی را پرکنند و همین مسئله باعث شد که آنها زودتر خسته شوند. منبع مزبور در مورد پرسش‌های ایرانیان معترض و اظهارنظر کارشناسان آلمان توضیح داد: من هم معتقدم علی دایی توانایی ۹۰ دقیقه بازی سنگین را ندارد اما تصمیم‌گیر نهایی سرمربی تیم است. ما هرچند که می‌توانیم دخالت کنیم اما حداقل خود من به دخالت در کار سرمربی اعتقاد ندارم. وی در مورد اشتباه خط دفاعی و دروازه‌بان تیم توضیح داد: هر کس جنس فوتبال را بشناسد، می‌داند که فوتبال دارای دو بخش مهم است؛ بخش اول واقعیت‌ها و بخش دوم اتفاقات. در بخش واقعیت‌ها، باید بپذیریم که فوتبال مکزیک از ایران قوی‌تر است. در بخش اتفاقات که علت جذابیت فوتبال است، یک‌بار ضربه سر هاشمیان را دروازه‌بان مکزیک می‌گیرد و در مقابل خط دفاعی و میرزاپور آن اشتباه را مرتکب می‌شوند. این منبع در مورد عقیده اکثر صاحب‌نظران که تیم ملی از نظر قدرت بدنی ضعیف است، توضیح داد: واقعیت این است که تمام بازیکنانی که اسکلت‌بندی اصلی تیم را تشکیل می‌دهند مانند کریمی، هاشمیان، مهدوی‌کیا و زندی به دلیل مصدومیت نصفه‌نیمه تمرین کردند و همین امر موجب ضعف قدرت بدنی آنها بود در حالی که بازیکنان دیگر مانند تیموریان که کامل تمرین کرده بودند و انگیزه زیادی هم داشتند شاید اگر بازی ۹۰ دقیقه دیگر هم ادامه می‌یافت، توان دویدن داشتند. این بدان معنا است که کار بدنسازی در اردو خوب بوده است اما در یک مسابقه فوتبال آن‌هم در جام جهانی، همه بازیکنان باید بدوند. اما متاسفانه این اصل مهم در تیم ما رعایت نمی‌شود. شما ببینید که در هنگام حمله یا ضدحمله حریف، دایی، هاشمیان، کریمی و... برنمی‌گردند تا به دفاع کمک کنند. در تیم ما یک عده خوب نمی‌دوند و یک عده اصلاً نمی‌دوند! وی آنگاه به زمان گذشته اشاره کرد و گفت که در آن زمان یک بازیکن اگر خودش تشخیص می‌داد که زمان بازیگری‌اش به اتمام رسیده، حتی اگر بزرگترها هم به او اصرار می‌کردند، کنار می‌رفت و جای خود را به جوان‌ترها می‌داد اما اکنون به علت ابعاد تبلیغاتی و پولی که وارد فوتبال شده، برخی علاقه‌ای به پایان دادن به دوران بازیگری خود ندارند. این منبع نزدیک به تیم ملی ایران در پایان خاطرنشان ساخت که با این باخت همه‌چیز به پایان نرسیده و همگان باید سعی کنند روحیه از دست رفته تیم را به آن بازگردانند، ضمن اینکه کادر فنی هم باید با جسارت، استفاده از جوانان را در دستور کار قرار دهد و تغییراتی در تیم ایجاد کند زیرا دیدار با پرتغال هم‌اکنون اهمیت دوچندانی برای ما پیدا کرده است.»

طالبی هم آمد

جلال طالبی نیز خود را به آلمان و به شهر فردریش هافن رسانده است. سرمربی تیم ملی ایران در جام جهانی ۹۸ قصد دارد دو بازی آینده تیم ملی را از نزدیک تماشا کند. البته همه می‌دانند که این بار حضور طالبی در کنار تیم ملی کاملاً برای سرمربی تیم بی‌خطر است و قرار نیست که اتفاقات هشت سال پیش تکرار شود.

رسول کجا می‌رود

در حالی که در آلمان شایع شده که قرارداد رسول خطیبی با باشگاه تنه‌ریف اسپانیا تقریباً نهایی شده و تنها امضای رسول را کم دارد، یکی از افرادی که در نقل و انتقالات بازیکنان ایرانی به اروپا ید طولایی دارد عنوان کرده که چنین انتقالی محال است و امکان ندارد خطیبی به اسپانیا برود. معمولاً پیش‌بینی‌های این آقا درست از آب درمی‌آید و باید دید رسول کجا می‌رود.

اعتراض خفیف
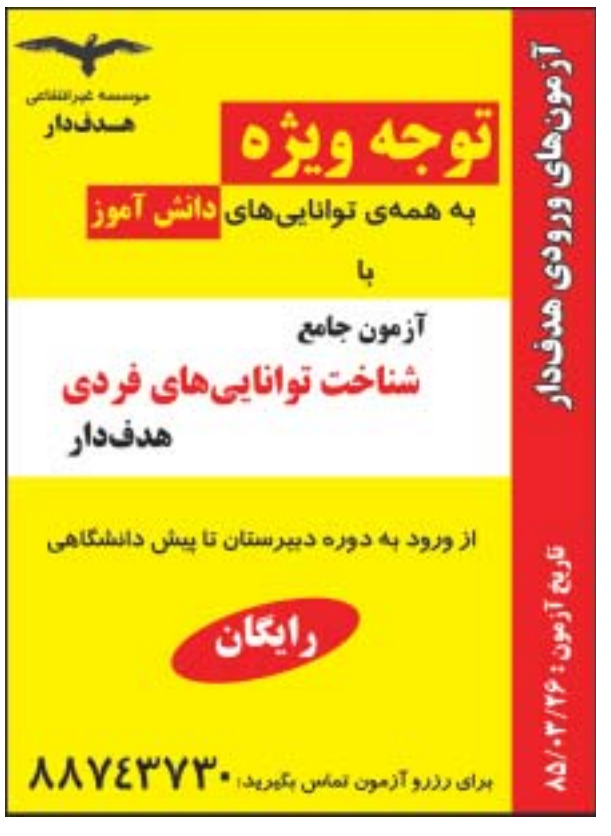
آرش برهانی فرصت هشت دقیقه‌ای حضور در میدان برای نشان دادن توانایی‌هایش را زمان کمی دانسته. مهاجم کرمانی تیم ملی در شرایطی از حضور ناچیز در زمین گله‌مند است که به هر حال توانست بازی در جام جهانی را تجربه کند. فرصتی که شاید نصیب رضا عنایتی و رسول خطیبی نشود.